###### 28

###### azad

###### دانشگاه آزاد اسلامي

###### واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**امین الدوله، عملکرد سیاسی، اقدامات، افکار و عقاید امین الدوله، و رابطه امین الدوله با رجال و آثار مکتوب او**

استاد راهنما:

دانشجو:

چكيده

ميرزا علي خان معروف به امين الدوله به سال1260هجري قمري(1222هجري شمسي)در تهران متولد شد. وي فرزند ميرزا محمدخان مجدالملك (سينكي لواساني) كه وي خواهر زاده ميرزا آقا خان نوري دومين صدراعظم ناصر الدين شاه بوده است.

امين الدوله خط و انشاء را از پدر آموخت، مقدمات زبان عربي را در تهران آموخته بود. و در سفري كه همراه پدر به بغداد رفت به تكميل زبان عربي و آموزش زبان تركيبي اسلامبولي پرداخت وقتي پدرش مجد الملك به كارپردازي آذربايجان منصوب شد همراه پدر بود. و در آنجا زبان فرانسه را آموخت و همان وقت به آموزش تركي آذربايجان مشغول شد.

پس از مراجعت از بغداد و خدمت در حضور شاه نيابت اول وزارت خارجه در سن نوزده سالگي به او داده شد ضمن نيابت اول جزء پيشخدمتان خاصه شاه گرديد و مفتخر به لقب منشي حضور تا سال1290 ، در سال 1288 مسئوليت چاپارخانه هاي دولتي (پست خانه) به وي محول شد. دو سال بعد ملقب به امين الملك گرديد و احراز وزارت رسائل (رياست دفتر مخصوص شاه) را اخذ نمود. در اولين سفر ناصر الدين شاه به همراه او بود ولي از آلمان برگشت. به خاطر پشتكاري كه داشت در سال 1294 متصدي امور ضرابخانه دولتي تبريز (علاوه بر شغلهاي قبلي) به وي داده شد. يكسال بعد سفير مخصوص شاه به ايتاليا جهت تسليت مرگ ويكتور امانول شد. به دليل لياقت و امانتي كه از ايشان آشكار شد وزارت وظايف و اوقاف نيز بر ساير مشاغل او افزوده گشت. در سال 1299 ملقب به امين الدوله كرد و در سال 1304 منصب رياست مجلس وزراء و دارالشوري كبري كه اعظم مناسب دولتي است به وي محول شد. در سه سفر ملتزم در ركاب ناصرالدين شاه بود، بعد از يك دوره حدودا ده ساله و دوري از سياست مجددا توسط (مظفرالدين شاه) به پيشكاري و وزارت آذربايجان و حامل فرمان و ششمين وليعهدي براي محمدعلي ميرزا شد و در آنجا نيز اقدامهاي فرهنگي انجام داد از جمله افتتاح مدرسه رشديه . در سال 1314 به دستور شاه به تهران آمد. به وي پستهاي زيادي پيشنهاد شد و مدتي وزير اعظم شد و 5 ماه بعد صدراعظم شد (16 صفر يا 15 محرم 1316) 5-1314 وي ناصر الملك را به عنوان وزارت ماليه انتخاب نمود ، همچنين وي هيئت بلژيكي را جهت اقدامات اصلاحي مالي به ايران فراخواند. در سال 1314 بر اثر فشارهايي كه به وي از دربار و مخالفين وارد نمود مجبور به استعفا از صدارت شد با بركناري وي ناصر الملك نيز بركنار گرديد. و چون از صدارت معزول شد به زيارت مكه رفت مدتي در لشت نشاي رشت اقامت نمود تا اينكه شاه او را از ايران اخراج نمود (به داغستان) رفت و او در هنگام سفر به اروپا نامه هاي انتقادآميزي به شاه نوشت پس از مدتي دوري دوباره مظفرالدين شاه نامه محبت آميز، به وي مي نويسد و او به گيلان برمي گردد تا اينكه در لشت نشا در سال 1322 برابر با 1283 هجري شمسي فوت مي كند.

امين الدوله از جمله رجال برجسته عصر قاجار به شمار مي رود به طوري كه افكار و انديشه هاي او در تحولات داخلي‌و خارجي ايران تاثير زيادي داشته است. در مورد او قضاوتهاي متناقض فراواني ارائه شده است به طوري كه از وي دو شخصيت متفاوت يعني اصلاح طلب و محافظه كار ساخته اند. نظر به اهميت شخصيت امين الدوله بر آن شديم تا با يك بررسي‌عميق‌و علمي به دور از هر گونه غرض‌ورزي، هويت واقعي وي را براي صاحبان فكر و انديشه معرفي نماييم.

مقدمه

تحقيق‌در تاريخ معاصر ايران و شناخت شخصيتهاي صحنه هاي مختلف و بازيگران ميدان هاي گوناگون در ارتباط تنگاتنگي با جامعه كنوني ايران است. شايد بتوان گفت اين دوره تاريخ ايران به علت ورود ايران و ايرانيان در سياست جهاني از ويژگيهاي‌خاصي برخورداراست،به ويژه آنكه بررسي زندگي اجتماعي، اقتصادي، سياسي و فرهنگي.... ايرانيان كه در اين مقطع تاريخي دچار دگرگوني‌هايي فراوان مي‌شود و با اقدام‌هاي شخصيتهاي مهم چون – عباس ميرزا وليعهد و قائم مقام فراهاني–پويه‌هايي گوناگون صورت مي‌گيرد.

اين امر منجر‌به اعزام عده‌اي براي تحصيل به خارج‌و آشنايي‌آنان با پيشرفت‌هاي غرب مي‌شود كه نقش‌هاي نويني‌در‌تاريخ ايران چهره مي بندد و با روي كار آمدن ميرزا تقي خان اميركبير وتلاشهاي موثر اين عنصرلايق‌در مدت‌كوتاه صدر اعظمي‌در عصر‌ناصري پي‌آمدهاي مختلفي‌را سبب مي‌شود،كه نتايج آن دگرگوني جامعه ايران و آغاز شناسايي مردم و بازآفريني‌واقعيتهاي‌نهفته در جامعه است. در‌اين مدخل نوآغاز شده، چهره‌هايي تلاش مي نمايند تا راه و‌رسم امير را پيش‌گيرند و يا عصر او را مورد آزمايش قرار دهند يا جاي پاي او بگذارند و دست كم اين كه در نوشته هاي خود، از آرمانهاي امير سخن گويندو دورانش را ستايش، و آفرينشهاي متعددي او را در جامعه خفته ايران كه به آرامي در حال بيدار شدن است بازگو و تاثير آنها را ارزيابي نمايند.

تاريخ معاصر ايران، مملو از دگرگونيهاي‌سرنوشت‌ساز است، دوران پر آشوب و فتنه آكنده از دخالتهاي بيگانگان‌و اجراي نقشه‌هاي بي باكانه در جهت‌فناي ايران و ايراني بدست خود‌و بيگانه، سياستمداران ايراني زبون، فاقد شخصيت، دست و پا بسته و در خدمت بيگانه، دولتهاي سرسپرده- براي خواسته هاي انگليس و روس– عاملين اجراي سياستهاي آنها شده و در زبوني مردم كوشا و در وابستگي آنها به دولتهاي غرب قدمهاي فراخي برداشته‌و در نتيجه نقش نامطلوب خود را در تاريخ معاصر ايران اجرا و ميراث ناخوشايندي از خود به يادگار گذاشته اند.

تاريخ معاصر ايران را مي توان با شناخت بازيگران آنها بهتر ارزيابي قرار داد و علل و عوامل عقب‌ماندگي ايران را كشف كرد و مورد نقادي و تجربه و تحليل قرار داد و جداي از نقش اول شاهان در اين واپس گرايي، چيزي از نقش اين بازيگران در پشت صحنه ها مخفي نمايد.اوضاع عمومي سياسي و اجتماعي تلاشهاي اصلاح طلبي، تنزل قدرت سياسي، خروج و پرخاش مردم، هيچ يك نتوانست تغيير عمده اي در روي حكمراني بيندازد مگر وزارت يكساله امين الدوله كه جهات مثبت داشت .

اين دوره نيز امتداد همان مرحله تاريخي است با تشديد عوامل سابق – عواملي كه بحران مالي را بار آورد- فشار استعمار اقتصادي و سياسي را افزايش داد. از قدرت معنوي و قدرت مادي حكومت در مقابله با دشواريهاي داخلي و خارجي كاست. از سوي ديگر حركت اجتماعي در جهت تغيير نظام سياسي با ايدئولوژي مشخصي تشكيل يافت همه حكومتهايي كه در اين ده سال روي كار آمدند با بحران مالي دست به گريبان بودند. بعضي از روي اعتقاد به ترقيخواهي و برخي ضرورت در پي نوعي نقشه (رفورم مالي) رفتند و در هر‌حال موثرترين عامل تعيين كننده سرنوشت حكومتها بود.

صدارت ميرزا علي خان امين الدوله بعد از دوره دوري (فترت)وارد عرصه سياست گشت و هواي تازه اي به نام اصلاحات عطر افشاني مي كرد و امين الدوله به عنوان يك ترقي خواه و اصلاح طلب و ارد عرصه حكومتي شد.

مسئله اصلي در اين پژوهش بررسي افكار انديشه ها و احوالات امين الدوله با تكيه بر فعاليتهاي سياسي و انديشه هاي وي مي باشد سعي شده تا افكار و انديشه هاي او واضح تر مورد بررسي قرار گيرد.

مهمترين سوالاتي در اين پژوهش مطرح شده ،از قرار ذيل است :

1. عوامل موفقيت امين الدوله در كسب مقامات و مناسب مهم ديواني چه بوده است ؟
2. مهمترين اقدامات او در چه زمينه هايي بوده است ؟
3. ميزان تاثير پذيري وي از افكار و انديشه هاي متفكران اين دوره در چه حدي بوده است ؟
4. سياست مذهبي وي و نيز رابطه اش با طبقه روحانيون چگونه بوده است ؟
5. نقش وي در فراهم نمودن زمينه براي انقلاب مشروطه تا چه حد بوده است ؟
6. امين الدوله در سياست خارجي خويش از چه خط و مشي سياسي مشخص پيروي مي كرده است ؟
7. افكار و عقايد وي در زمينه حكومت و انواع آن چه بوده و خود ، كدام نوع حكومت را جهت اصلاح جامعه تجويز نموده است ؟

براي يافتن پاسخ اين پرسش ها ناگزير از طرح فرضياتي چند هستيم كه مهمترين آنها عبارتند از :

1- افكار و انديشه هاي غربي در شكل گيري شخصيت سياسي امين الدوله تاثير مستقيم داشته است.

2- افكار اصلاح طلبي و نوگرايي امين الدوله متاثر از شخصيتهاي چون عباس ميرزا، قائم مقام، اميركبير، سپهسالار بوده است.

3- افكار و انديشه هاي امين الدوله در فراهم نمودن بستر فكري انقلاب مشروطيت تاثير داشته است.

4- بي‌توجهي‌امين‌الدوله نسبت‌به‌طبقه روحانيون ناشي از طرفداري‌وي از نظريه جدايي دين از سياست بوده‌است.

5- علت عمده سقوط و عزل امين الدوله از مقام صدارت ، مخالفت وي با نظام استبدادي و طرفداري از مشروطه خواهي بوده است .

كتاب شناسي

در روند تدوين اين پژوهش از منابع و مآخذ متعددي استفاده شده است . در يك تقسيم بندي كلي، اين منابع و مآخذ را مي توان در قالب زير دسته بندي كرد.

الف- منابع داخلي

1- منابع دست اول

2- تحقيقات

ب- منابع خارجي

1- منابع دست اول

2- تحقيقات

منابع دست اول :

قبل از اين اينكه به معرفي اقدام كنيم، لازم به تذكر است كه اساساً نوع نگرش نويسندگان اين گونه منابع نسبت به امين الدوله بسيار متفاوت مي باشد چنانكه عده اي چون ميرزا غلامحسين خان اديب مستوفي ديوان اعلي‌ابن‌مهدي خان بن‌علي‌خان شيرازي، ناظم الاسلام‌كرماني، يحيي دولت آبادي،اعتماد السلطنه، عبد ا.. مستوفي، امين الدوله را مي ستايند و او را به عنوان عامل مهم انساني در ترويج انديشه نوخواهي و آزاد انديشي در اواخر دوره ناصري و مظفري معرفي مي كنند.

در مقابل، احتشام السلطنه(خاطرات احتشام) مهدي قلي‌خان هدايت (مخبر السلطنه خاطرات ‌و‌خطرات)‌ امين‌الدوله را فردي كج انديشي، رشوه خوار و رياكار معرفي مي كنند و مدعي هستند بعضي از اقدام هاي وي چون گسترش معارف، در جهت خودنمائي بوده نه براي نجات مردم و پيشرفت جامعه.

گرچه راجع به شخصيت امين الدوله منابع نسبتا فراواني وجود دارد ، اما به دليل وجود چنين گزارش هاي متناقض، كار پژوهشگر اين موضوع را با مشكل مواجه مي سازد. در ذيل مهمترين منابعي كه در اين پژوهش مورد استفاده قرار گرفته را مورد بررسي قرار مي دهيم :

خاطرات سياسي امين الدوله

اين‌كتاب شرح حالي است از ميرزا علي خان امين الدوله به قلم خود او؛و مانند بسياري از شرح حالهاي ديگر كه به قلم مردان سياسي نگارش مي يابد آئينه اي از اوضاع سياسي زمان مولف است.

آنچه مسلم است اين كتاب يكي‌از مدارك خواندني‌و تاريخي‌عصر ناصري است.كتابي است كه‌گوشه‌هايي چند از زندگاني اجتماعي و درباري آن روزگار را آئينه وار مي نماياناد. هرچند كه كتاب از حسب و بعض عاري نباشد. به همان كيفيت است كه ديگر كتب خاطرات رجال ايران!

امين الدوله كه تا كنون به نام سياستمداري آزاديخواه و متجدد و اهل فضل و قلم شناخته شده است و اينك شرح‌حال خود را به‌سبكي بديع‌در اين‌كتاب بيان مي‌كند و خواننده مي‌تواند از خلال منظورآن كاملا به شخصيت و روحيه وي پي‌برده و اوضاع تاريخي ايران را نيز در دوره ناصرالدين شاه و مظفرالدين شاه باز شناسد. امين الدوله به سال 1260 هجري قمري در تهران متولد و به سال 1322 هجري قمري در لشت نشاء ملك شخصي چشم از جهان فرو بر بست.

در طول مدت عمر خويش شاهد دسته بنديها، دسيسه بازي ها و كينه ورزيهاي رجال ايران بود و عجب آنكه خود او هم نتوانست از ميدان توطئه گريها به دور بماند از مطالعه اين كتاب معلوم مي شود كه چرا و چگونه او به چنين ماجراها آلوده گرديده و زندگي سياسيش به ناكامي پيوست.

كتاب«خاطرات سياسي امين الدوله تا صفحه 236 به قلم خود امين الدوله است. ولي از آن صفحه تا انتها كتاب‌را كه تغيير سبك نگارش آن مشهود است شخص‌ديگري‌نوشته‌است. به نظر مي‌رسدكه نويسنده اين قسمت محسن خان معين الملك، پسر ميرزا علي خان، باشد كه او نيز بعد از پدر، امين الدوله لقب يافت. در سراسر كتاب افعال سوم شخص مفرد بكار رفته است و اين اگرچه به دلپذير بودن شيوه نگارش مي افزايد. در پاره اي جاها ذهن خواننده را از اينكه سرگرم خواندن «اتوبيوگرافي» است دور مي كند.امين الدوله كتاب ديگري نيز به نام سفرنامه مكه دارد كه شرح سفر او به مكه است كه از جمعه شوال (1316 ه.ق) شروع و تا شنبه بيستم رجب 1317 كه حدود نه ماه و هفت روز است بيست و سه روز اولش به حركت از تهران تا لشته نشاي گيلان و توقف در آنجا گذشته است . چهل و هشت روز آخر آن ورود به انزلي و اقامت مجدد در گيلان و بقيه در راه سفر به مكه و بازگشت از آنجاست.

روزنامه سفر را با سوز و آه فراق شروع به نوشتن مي كند. تا در لشته نشاي به انتظار فراهم شدن وسايل سفر است، يك لحظه آرام ندارد، يك جا نمي نشيند. خود را به پياده روي، قايق سواري، نقشه ساختمان و دهكده و چراغ دريائي كشيدن و آتش افروختن سرگرم مي كند يا آبي بر آتش اضطراب درون مي زند. پا را كه ازمرز ايران بيرون مي گذارد كم كم روحيه اش بجا مي آيد. شرح وقايع و مشاهدات روزانه را به دقت و ظرافت مي نويسد. هر چه دورتر مي شود دقت ظرافتش بيشتر مي شود روز به روز مفصل تر و شيرين تر مي نويسد.

در بازگشت هر چه به مرز وطن نزديكتر مي شود بيشتر به ياد ناملايمات ايران مي افتد. يادداشتهاي روزانه مختصرتر مي شود. امراض ناشناخته بر سرش مي تازند، گوئي بند بند وجودش بهانه مي تراشند براي ماندن و بازنگشتن. يادداشتها هر روز مختصر و مختصرتر مي شوند تا آن توصيفهاي دقيق و ظريف و مفصل از مناظر و اشخاص و احوال به جايي مي كشد كه گاه چند روزي نمي نويسد يا اگر مي نويسد، خاطر يك روز به اين اختصار است: «يكشنبه – تب و كسالت بيشتر شد» يا :«شب چهارشنبه مختصر كسالت»

مسافر ما، يك وزير يا صدر اعظم حرفه اي و ساده نيست. آزاده است و نويسنده و شاعر و استاد خط و نقاشي و به چندين هنر آراسته است. از همه هنرهايش اسنادي در دست داريم ولي متاسفانه از نقاشيهاي او چيزي به دست نرسيد[[1]](#footnote-1).

افضل التواريخ

مولف كتاب غلامحسين خان اديب مستوفي ديوان اعلي ابن مهدي خان بن علي خان شيرازي، كه در تهران در سال محرم هزار دويست و هفتادو نه هجري قمري متولد شد. لقبش افضل الملك، تخلصش المعي، مشهور به اديب كرماني، و افضل الملك كرماني، منصبش به گاه تاليف اين تاريخ: مستوفي ديوان.

پس از اتمام تحصيلات در سلك «نوكر باب» منسلك ؛ و « چندي حكومت رادكان و چناران و پنج طايفه اكراد نزديك قوچان و سه طايفه رشوانلو، پهلوانلو، ويرانلو و تحويلداري جنس ديواني خراسان » يافت . سپس حكومت خواف و تربت حيدريه و پيشكاري ماليات سبزوار و تصفيه ماليات قوچان» هم بدو تفويض شد. سالها نيز «رياست دارالانشا و دفتر خراسان» را داشت. مدتي« پيشكار ماليات قم و ساوه و زرند بود» و در سال هزار و سيصد و سي و يك هجري، از طرف دولت، به معاونت مازندران بر قرار گشت. زماني «به منادمت ركن الدوله، محمدتقي ميرزا ، پسر محمد شاه قاجار» ساليان متمادي در زمره ي «مترجمين دارالترجمه » بوده ؛ روزنامه هاي غربي كه از اسلامبول و مصر براي ناصر الدين شاه فرستادند، وي مطالب سياسي و پليتيكي آنها را ترجمه كرده، كتابچه ساخته ، به حضور مي بردند .

در آخر به «رتبه استيفاء نائل گرديد» در سال هزار و سيصد و چهارده قمري بدستور مظفرالدين شاه به نگارش (تاريخ دولتي ) يا «افضل التواريخ» پرداخت.

نگارنده جز اثر فوق الذكر آثار ديگري نيز دارد از جمله (ركن الاسفار) ،(سحر سامري و سفرنامه ي ناصري)، ( سفرنامه خراسان و كرمان )، (كتابچه تفضيل و حالات دارالايمان قم) ؛ (سفرنامه قم)، (تاريخ و‌جغرافياي قم)، (ظفرنامه عضدي)، (كراسه ي المعي)، (قرن السعاده) يا (قرن السعادتين) ،(ترجمه اعلام الناس بماوقع للبرامكه من بني عباس) ، «افضل التفاسير)، نيز دو مجموعه يادداشتهاي تاريخي مشتمل بر يادداشت ها، سوادنامه ها و احكام مختلف.

ميرزا غلامحسين خان افضل الملك در بيست و سوم محرم سال 1348 هجري قمري در تهران فوت نمود. «افضل التواريخ» اشتمال دارد بر بيان واقعات عهد مظفري، از سال 1313 الي 1317 هجري قمري. نگارنده اين اثر را به پنج جلد منقسم و هر يك از مجلات دوم، سوم و چهارم و پنجم را در چهار باب نگاشته است. مبداء تهيه مجلات خمسه را از «جلوس مظفر» نهاده، نخستين مجله را همين عنوان بخشيد. ساير مجلات را هر يك به شرح وقايع يك ساله سلطنت و دولت تخصيص داده. «افضل التواريخ ناميده است».افتتاح هر مجله به استثناي آخرين آن ها، به ستايش پروردگار است كه آغاز هر كار را بايد محتواي مجلد نخستين شرح كيفيت و بيست تاليف اثر، تعيين سنه ولادت مظفر الدين شاه، كيفيت جلوس سلطنت، و ذكر وقايع چهل و سه روز بدو جلوس از يوم شنبه هجدهم شهر ذي القعده الي آخر شهر ذي الحجه ي سنه ي 1313 هجري قمري، را شامل است.

ساير مجلات نيز در چهار باب اند. باب اول هر مجلدمختص است به «شرح يكساله ي سلطنت». باب دوم به اسامي و تعرفه ي اشخاص كه در، «آن سنه» به وزارت و پيشكاري يا حكومت ولايات، يا مباشري ادارات و بيوتات دولتي نائل شده اند. باب سوم به «ذكر اشخاصي كه در آن » سنه «لقب دولتي نائل آمده اند يا امتيازات دولتي را از قبيل تمثال مبارك و ساير نشانهاي معظمه، براي خود تحصيل كرده اند و به خلاع فاخره سرافراز گشته اند» . باب چهارم به ذكر «اشخاص معروف محترمي كه در ايران »در آن سال وفات كرده اند.

در ضمن اين مجلات و در طي همين ابواب گذشته از بيان رويدادهاي يكساله سلطنت و دولت، گاه به مناسبت موضوع به درج نوشتارها و رسالاتي مفصل پرداخته است از خود و ديگران. نكته ديگر در حين نگارش تمامي مجلات گاه به جغرافياي امكنه پرداخته گاه معني اصطلاحات ديواني، ترجمان احوال رجال، و تربيت دوائر دولتي را بدست داده ،گاه نيز به خرده گيري از امور دولت و ارائه ي پيشنهادهاي اصلاحي برآمده است.

شيوه تاريخ نگاري- (افضل التواريخ) تاريخي است سنتي به قلم مورخي دولتي مع هذا نقطه عطفي است در سير تاريخ نگاري سده پيشين، نمونه ايست از تطور تاريخ نگاري سنتي در آن سالها.

افضل الملك، «شان خود را بر خلاف ساير مورخين، اجل بر دروغگويي و تملق و اغراق و مبالغه»، بر شمارده كه مي نويسد:«حقيقت مطلب اين است كه من هم چندان زحمتي نمي كشم و خدمتي نمي كنم. نه داد فصاحت مي زنم، نه گوي بلاغت مي برم، نه اغراق و دروغ مي نويسم، نه سخن سازي دارم، نه انشاء پردازي مي آورم، فقط به زبان قوم و به بيان يوم، بعد از سي شب يك شب قلمي برداشته به طور ساده مثل كسي كه در جام و باده باشد چيزي مي نگارم و در صباح ، دوباره مطلب را خوانده ، گاه سقطي در صحت مطلب شده باشد، قلمي بروي آن مي گذارم، هزار محاسن را در اين تاريخ ترك كرده ، ولي يك حسن از آن متروك نيست، و آن حسن بدون تملق مطلب نوشتن و به صدق هر داستاني را نگاشتن است[[2]](#footnote-2).»

حيات يحيي:

با توجه به اينكه كتابهاي زيادي در مورد شخصيت و اقدامات امين الدوله مطلب نوشته اند و گزارشات زيادي را ثبت نموده اند ولي از جمله كساني كه در اين ميان مي توان نام برد يحيي دولت آبادي با كتاب خودش(حيات يحيي) ضمن بررسي اوضاع و احوال جامعه آن روز به بررسي اقدامات و فعاليتهاي كه ميرزا علي خان امين الدوله در دوران تصدي خويش در وزارت و غيره داشته است پرداخته، وي با نگاهي مثبت به دستاوردهاي كه ثمره فعاليتهاي سياسي وي در طول دوران خدمت دربار بوده پرداخته و از روي بسيار تعريف و تمجيد نموده به نحوي كه وي را پدر معارف ايران معرفي مي كند و او را دوستدار علم و دانش و معرفت مي داند. او امين الدوله را دانشمندي بزرگ كه حسن وطن پرستي و آزاد انديشي وي او را به سر منزل اصلاحات سوق داد. دولت آبادي امين الدوله را در دوره سلطنت ناصري از روي افكار روشن خود و دوستانش كه به مقتضيتهاي (اصلاحاتي انجام داده اند بدون اينكه به موانع آنها توجه كامل نموده باشند).

وي امين الدوله را رجلي با اقتدار و قابلترين مرد اصلاح در دوره خويش مي شمارد. بدون اينكه پشتوانه مالي داشته باشد دست به اصلاحاتي در ايران زد و اقدامات مالي – فرهنگي و آموزشي نمود. وي در خصوص رابطه انگلستان و نظرالدوله چنين عنوان مي كند «امين الدوله با يكدست كارهاي جاري دولت و ملت را جابجا نمود و با تمايلي كه در سياست خارجي با انگلستان نشان مي دهد از آنها استفاده معنوي مي نمايد و با دست ديگر طرح اساس سعادتي براي ملت مي ريزد.كه در حقيت قابل ستايش مي باشد[[3]](#footnote-3) وي در جاي ديگر در خصوص توجيه اقدامات فرهنگي وي چنين مي گويد: «امين الدوله مي داند درد ملت ناداني است و دواي آن دانايي است از اين رو بيش از هر كار به معارف اهميت مي دهد و از همين نقطه نظر است كه ستوده مي شود»

دولت آبادي در كتاب خود (حيات يحيي) نگاهي تمجيد آميز از امين الدوله دارد كه با وي دولت مراوده داشته است. چرا كه دولت آبادي نيز از جمله دوستداران گسترش علم و نشر و گسترش فرهنگ علم آموزي به ديگران است.

وي در كتاب خود به معارف پروري امين الدوله- حمايتهاي وي از رشديه و انجمن ها و خيريه هاي كه در اين زمينه هستند همين به نقش دوستداران و فارغ التحصيلان خارجي و دارالفنون را به خدمت خويش گيرد اشاره مي كند افتتاحيه مدرسه علميه

- انجمن معارف و فعاليتهاي دروني و افراد صاحب منصب در آن اشاره دارد. نسبت به بررسي مطبوعاتي و طبع و نشر آن در پايتخت آزادي رعايت از اهل قلم- به روز نمودن روزنامه هفتگي به يوميه و ديگر فعاليتهاي وي او را مردي دانشدوست معرفي مي كنند. همين اقدامات او را به سر منزل عزل فهقراي سوق مي دهد و وي را مجبور به عزلت نشيني و گوشه نشيني مي نمايد.

روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه

نويسنده اين كتاب محمدحسن صنيع الدوله فرزند حاجي علي خان حاجب الدوله و نوه حسين خان مقدم مراغه اي است. حاجب الدوله كه در جواني ضياالملك لقب داشت و بعدا ملقب به اعتماد السلطنه شد از درباريان مورد اعتماد ناصرالدين شاه بود بدان حد كه در قضيه قتل امير كبير حامل دستور شاه و ناظر بر اجراي آن عمل ناپسند واقع شد.

محمدحسن خان روز بيست و يكم شعبان 1256 قمري در تهران زاده شد و بنابر نوشته ميرزاعلي خان امين الدوله روز 13 فروردين مطابق 19 شوال سال 1313 قمري (قريب يك ماه قبل از قتل شاه) ناگهاني درگذشت.

محمدحسن خان در سال 1268 در مدرسه دارالفنون تحصيل مي كرد. در سال 1268 عنوان وكيل نظام(وكيلي،يا گروهباني) گرفت و به تدريج در مناصب نظامي ترقي كرد. در سال 1275 به رتبه سرهنگي نائل آمد و در سال 1280 با سمت نماينده نظامي ايران در سفارت پاريس به آنجا رفت و عضويت هيئت سفارت امير نظام را يافت و ضمنا توانست كه به تكميل زبان فرانسه و اخذ معلومات جديد پردازد. در سال 1284 به ايران مراجعت كرد و به سمت مترجم حضوري دربار تعيين شد. در 1287 اداره امور روزنامه رسمي و بعد رياست دارالترجمه به او واگذار و به صنيع الدوله ملقب شد. بعد به ترتيب معاون وزارت عدليه (1290) رئيس دارالتاليف (1298) عضو مجلس شوراي دولتي (1299) وزير انطباعات (1300) گرديد. اين منصب آخرين صمتي بود كه او در طول حياتش بدان دست يافت[[4]](#footnote-4). در سال 1304 لقب اعتمادالسلطنه به او اعطا شد كه خود شرح آن به تفضيل در همين روزنامه بيان كرده است.اين لقب قبلا از آن پدرش بود در سفر سوم ناصرالدين شاه در سال 1306 به همراه وي به اروپا رفت.

1. امين الدوله ، ميرزا علي خان ، خاطرات سياسي امين الدوله ، به كوشش حافظ فرمان فرماييان ، زير نظر ايرج افشار، (تهران ، انتشارات امير كبير ، 1370وچاپ 1340) ، به نقل از مقدمه كتاب . [↑](#footnote-ref-1)
2. افضل الملك، غلامحسين، افضل التواريخ، به كوشش منصوره اتحاديه ، سيروس سعدونديان ،(تهران ، نشر تاريخ ايران ، 1361 )، خلاصه شده ازص24-13. [↑](#footnote-ref-2)
3. دولت آبادي، يحيي، حيات يحيي، (تهران ،انتشارات عطار- چاپ پنجم - 1371 )، ج اول ، مقدمه، ص 179 . [↑](#footnote-ref-3)
4. متولي حقيقي، يوسف،وزير تاريخ نگار(پژوهشي پيرامنون زندگاني، آثار و شيوه تاريخ نگاري محمد حسن خان اعتماد السلطنه،(مشهد، انتشارات محقق و دانشگاه آزاد اسلامي واحد بجنورد 1381)، ص9 ، اين كتاب تنها مرجع معتبري است كه تا كنون به تمام ابعاد زندگاني سياسي و اجتماعي اعتمادالسلطنه پرداخته است. [↑](#footnote-ref-4)